



# پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



## موضوع:

۱. احکام؛ اصول و قواعد فقه
۲. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ روش و قواعد تفسیر قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مهدی طارمی

تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۵

لطفاً توضیح دهید که آیا صرف اطلاق در یک آیه یا حدیث، می‌تواند دلیل شود که بگوییم منظور گوینده هم مطلق بوده؟ مثلاً در آیه گفته شده: «وَمَنْ يُدْلُ نِعْمَةً اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». آیا صرف مطلق آمدن کلمه «نعمت» دلیل می‌شود که قایل شویم مراد «مطلق نعمت» است، یا اینکه لازم یا بهتر است قایل شویم که منظور از نعمت، نعمت دین است؟ این بحث مهمی است؛ چون در نحوه استنباط احکام و مسایل اعتقادی نقش مهمی دارد.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۹

متکلم هرگاه حکیم باشد، کلام خود را موافق با مراد خود قرار می‌دهد و هر کلمه‌ای را در جای خود استعمال می‌کند و از اطلاق نابجا می‌پرهیزد؛ به این معنا که هرگاه قصد تقيید دارد، کلام خود را مطلق نمی‌گذارد، بلکه برای آن قیدی متصل یا منفصل قرار می‌دهد تا بر آن دلالت کند؛ چراکه در غیر این صورت، إغراء به جهل لازم می‌آید؛ به این معنا که مخاطب گمراه می‌شود و می‌تواند عذر بیاورد که من به ظاهر کلام اخذ کردم و از غیب آگاهی نداشتم و روشن است که خداوند، حکیم‌ترین متکلمان است و از این رو، اطلاق کلام او حجت است و تقيید آن جایز نیست، مگر هنگامی که قیدی از جانب او برسد؛ چراکه تقيید آن بدون قیدی از جانب او، نافرمانی او، بلکه دروغ بستن بر او محسوب می‌شود؛ با توجه به اینکه خارج کردن کلام او از جای خود و نسبت دادن چیزی به او بدون علم است، در حالی که او از این کار نهی کرده و فرموده است: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»؛ «کلمات را از جاهای خود خارج می‌کنند» و فرموده است: «إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ «شما را هیچ دلیلی بر این نیست، آیا به خداوند چیزی را نسبت می‌دهید که

۱. النساء / ۴۶

۲. یونس / ۶۸

به آن علم ندارید؟! از این رو، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب «بازگشت به اسلام»<sup>۱</sup> بر «حجّیت ظواهر و عمومات قرآن» تأکید کرده و فرموده است:

«ظاهر عبارات عاقلان در میان آنان حجّت است و نشانگر مراد جدّی آنان شمرده می شود و عمومات آن، لغو شمرده نمی شود، بلکه تا زمان ورود مخصّص، بر عمومیت خود حمل می شود و روشن است که خداوند نیز یکی از عاقلان، بلکه خالق و رئیس آنان است و با این وصف، ظاهر و عموم عبارات او از این قاعده مستثنا نیست».

بنابراین، مراد از «نعمه الله» در آیهی مذکور، مطلق نعمت است و دلالت دارد بر اینکه تبدیل هر یک از نعمت های خداوند با ناسپاسی، مقتضی عقابی درخور است؛ چنانکه در آیه ای دیگر فرموده است: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»<sup>۲</sup>؛ «اگر شکر گزارید برایتان می افزایم و اگر ناسپاسی کنید هرآینه عذاب من شدید است».

آری، گاه الف و لام در کلمه ای، الف و لام جنس نیست، بلکه الف و لام عهد است و آن هنگامی است که کلمه در فرد خاصی ظهور دارد که برای مخاطب شناخته شده است؛ مانند کلمه ای «الرَّسُولُ» در سخن خداوند، آنجا که فرموده است: «أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۖ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ»<sup>۳</sup>؛ «به سوی فرعون پیامبری فرستادیم، پس فرعون پیامبر را نافرمانی کرد»؛ با توجه به اینکه مراد از آن مطلق پیامبر نیست، بل همان پیامبری است که پیش تر از او یاد کرده و برای مخاطب شناخته شده است. بنابراین، باید در مواجهه با کلماتی که الف و لام دارند دقّت کرد تا کلماتی مانند این، مطلق انگاشته نشوند.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر معصوم هاشمی خراسانی  
محیط مجازی با محوریت ارزش ها و سبک زندگی



۱. ص ۱۹۶

۲. ابراهیم / ۷

۳. المَزْمَل / ۱۵ و ۱۶